

حقوق مصاحبه‌شوندگان در رسانه‌های عمومی

دکتر علی مراد حیدری*

چکیده

بخش مهمی از برنامه‌های رسانه‌ای، مصاحبه‌هایی است که با اشخاص مختلف، از گروه‌های مختلف انجام می‌گیرد. بدون شک، مصاحبه‌شوندگان از حقوقی برخوردارند که از جانب رسانه‌ها باید رعایت شود. در این مقاله، مهم‌ترین حقوق مصاحبه‌شوندگان مورد بررسی قرار گرفته است. آزادی در انجام مصاحبه، شامل حق اعلام رضایت در شروع و ادامه مصاحبه؛ رعایت حریم خصوصی مصاحبه‌شونده در قالب حق افشا نشدن هویت یا پخش نشدن صدا، تصویر و سایر اطلاعات مربوط به هویت؛ حق مالکیت فکری بر مصاحبه در قالب حق فروش محتوای آن، حق اصلاح، سانسور و جلوگیری از پخش قسمت‌هایی از مصاحبه؛ و در نهایت، بحث استناد قضایی به محتوای مصاحبه از جمله این حقوق است. البته ضمانت اجرای برخورداری از کلیه این حقوق، «حق اعلام حقوق مصاحبه‌شونده» است.

انتظار می‌رود، خلأها و نواقصی که از نظر قانونی و همچنین از نظر رویه عملی رسانه‌ای، در رسانه‌های عمومی وجود دارد با وضع قوانین خاص ناظر بر عملکرد رسانه‌ای و هم‌زمان، پایبندی عملی ارباب رسانه‌ها به موازین دینی و اخلاق حرفه‌ای، تا حدود زیادی کاهش یابد.

کلید واژه: آزادی مصاحبه، احقاق حق، استناد قضایی، حریم خصوصی، مالکیت معنوی، مصاحبه‌شونده

* دکترای حقوق، جزا و جرم‌شناسی استادیار دانشگاه حضرت معصومه (س) و عضو شورای علمی گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
Email: heydarilaw@gmail.com

مقدمه

ابزارهایی که رسانه‌ها برای ایفای نقش خود به کار می‌گیرند، بسیار متنوع است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده رسانه‌های همگانی، استفاده از روش مصاحبه است. در واقع با ورود مصاحبه به عرصه رسانه، کارکرد رسانه‌ها از جنبه فنی صرف، به جنبه سرگرم‌کنندگی و عامه‌پسندی تبدیل شده است.

مصاحبه را به «پرسش از دیگران به منظور جمع‌آوری مواد اولیه برای نشر اطلاعات و نقل قول‌ها» تعریف کرده‌اند (آدامز^۱ و هیکس^۲، ترجمه فکورپور، ۱۳۸۵، ص ۹). شایان ذکر است که تعریف فوق درباره مصاحبه در فضای رسانه‌ای مد نظر است، نه مطلق پرسش از دیگران برای نشر اطلاعات، ولو به صورت چهره به چهره. بنابراین، در مصاحبه رسانه‌ای، رسانه رکن اساسی مصاحبه به شمار می‌رود که نماینده آن یعنی خبرنگار و گزارشگر، برای انتشار در رسانه به پرسشگری از افراد مورد نظر می‌پردازد. به این ترتیب، مصاحبه رسانه‌ای دو طرف اصلی دارد که یک طرف آن، مصاحبه‌گر (خبرنگار) و طرف دیگر آن، مصاحبه‌شونده است.

مصاحبه اقسام مختلفی دارد: از مصاحبه‌های مطبوعاتی در قالب کنفرانس خبری از سوی سخنگویان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی که مصاحبه‌شونده فردی حرفه‌ای است، تا مصاحبه‌های بسیار از افرادی که در حال راه رفتن در خیابان و اغلب غیر حرفه‌ای هستند یا گزارش‌هایی که خبرنگاران از اعمال و گفتار افراد جمع‌آوری می‌کنند، همگی در قالب مصاحبه شناخته می‌شوند. البته آنچه محور یک مصاحبه است، نه صرف رفتار یا عمل یک شخص، بلکه سخنان و گفته‌های وی است که یا از جانب خبرنگار مطبوعاتی مکتوب شده و یا صدای مصاحبه‌شونده به تنهایی یا همراه با تصویر وی ضبط شده است. هر چند حق دسترسی آزاد به اطلاعات از حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود و مطبوعات و رسانه‌ها نقشی اساسی در تأمین این حق دارند و بخش عمده‌ای از اطلاعات هم در قالب مصاحبه‌ها به دست می‌آید، نباید از یاد برد که در هر حال شخصی که مورد پرسش خبرنگاران قرار می‌گیرد (مصاحبه‌شونده)، از حقوقی برخوردار است که حمایت و تضمین آن موجبات اطمینان خاطر مصاحبه‌شوندگان را

1. Adams

2. Hiks

فراهم می‌کند و ضمن ترغیب آنان به انجام مصاحبه، اسباب ارتقای کیفیت برنامه‌های رسانه‌ای و تسهیل نیل به اهداف مورد نظر را فراهم می‌آورد. حقوقی از جمله حق آزادی مصاحبه، حق مالکیت فکری، حق حریم خصوصی و مستند نبودن محتوای مصاحبه به لحاظ قضایی، از جمله مهم‌ترین حقوقی است که در این مقاله، به عنوان حقوق مصاحبه‌شونده مورد بررسی قرار گرفته است.

حفظ حقوق مصاحبه‌شونده بویژه در رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای اصول و آموزه‌های دینی و در چارچوب موازین اسلامی فعالیت می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لزوم حرکت مطبوعات بر مبنای آموزه‌های دینی و در چارچوب موازین اسلامی را به این صورت مورد تأکید قرار داده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...» اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز در مورد رسانه ملی (صداوسیما) مقرر کرده است: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

از جمله اهداف و کارکردهای رسانه ملی که در ماده ۵ قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی بیان شده این است که: «صداوسیما باید به مثابه یک دانشگاه عمومی به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک نماید.»

همچنین مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۳، قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲ را تصویب کرد. در ماده ۳۰ الحاقی این قانون که به قانون احقاق حق شهرت یافته، آمده است: «چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی، در قالب‌های مختلف بیانی- تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین، افترا، یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد و یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف گردد، مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد...».

مراحل مورد اشاره، اعتراض کتبی به سازمان صداوسیما، رسیدگی به اختلاف در شورای نظارت بر سازمان صداوسیما و در نهایت رسیدگی در یک شعبه دادگاه خاص است و نحوه احقاق حق، اجازه به ذی‌حق، برای پاسخگویی و دفاع از خود در برابر اهانت یا نسبت‌هایی است که به وی داده شده؛ البته در تبصره ۲ این ماده بر حق پیگیری مستقیم شاکی نسبت به جنبه کیفری در دادگاه صالح نیز تأکید شده است. بدیهی است نیل به این اهداف والا در سایه رعایت حقوق تابعان و مرتبطان رسانه‌ها، از جمله مصاحبه‌شوندگان و رفع نواقص و ایرادها در رویکرد و رویه عملی رسانه‌ها، بویژه رسانه ملی تحقق می‌یابد که این امر به نوبه خود در گرو شناخت و درک صحیح حقوق افراد یاد شده و جوانب مختلف آن است. بر این اساس هدف مقاله حاضر معرفی و تشریح حقوق مصاحبه‌شوندگان با تکیه بر مستندات قانونی و همچنین تبیین اهمیت و ضرورت رعایت آنها برای متولیان رسانه است.

۱. آزادی در انجام مصاحبه

یکی از مهم‌ترین حقوق و بلکه اولین حقی که مصاحبه‌شونده باید از آن برخوردار باشد، حق آزادی در شرکت یا شرکت نکردن در مصاحبه است. حق آزادی عقیده که ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر به آن اختصاص دارد، دارای یک جنبه ایجابی و یک جنبه سلبی است. به این معنا که نه می‌توان فردی را از بیان و گفتن نظرات، اعتقادات و مکنونات قلبی خود منع کرد و نه می‌توان وی را به گفتن مطالبی که خود تمایلی به بیان آنها ندارد وادار ساخت. بنابراین، خبرنگاران و کسانی که قصد مصاحبه با افراد مورد نظر را دارند، نباید افراد را به اجبار یا اکراه به انجام مصاحبه وادار کنند.

آزادی افراد در انجام مصاحبه، با اعلام رضایت فرد به انجام مصاحبه تضمین می‌شود. از این رو، فرد مصاحبه‌کننده در ابتدای گفتگو باید به طرف اعلام کند که این گفتگو یک مصاحبه است و مطالبی که بیان می‌شود ممکن است در مطبوعات چاپ یا در رادیو و تلویزیون پخش شوند (علی‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).

پس از پایان مصاحبه نیز باید ختم مصاحبه را به وی اعلام کرد. فلسفه چنین حقی آن است که فرد در زمان مصاحبه با دقت و توجه کلمات و عبارات را به کار می‌برد و حرکاتی انجام می‌دهد که آثار و تبعات احتمالی مترتب بر آن را در نظر می‌گیرد و

متناسب با آن اقدام می‌کند، در حالی که قبل یا بعد از مصاحبه ممکن است شخص جزئیات بیشتری را در مورد موضوع مطرح کند یا از موضوعات فرعی دیگری سخن به میان آورد که آثار حقوقی یا اجتماعی بر آن مترتب باشد؛ علم وی به اینکه در حال مصاحبه با یک خبرنگار است، گفتار و کردار وی را مشمول قاعده الزام^(۱) قرار می‌دهد که در حد متعارف، ملزم به آن خواهد بود در حالی که اگر مصاحبه‌کننده بدون اعلام یا با اعلام اینکه مصاحبه است، قبل یا بعد از زمان مصاحبه پرسش‌هایی از مصاحبه‌شونده بپرسد، یا فیلمبرداری و عکسبرداری کند، نوعی اغفال، اغوا و اغرا به جهل است و مسئولیت آثاری که مصاحبه به دنبال دارد، بر عهده مصاحبه‌کننده خواهد بود. برای مثال، خبرنگار یک روزنامه تجاری، با یک کارشناس بازرگانی مصاحبه‌ای انجام می‌دهد و پس از نیم ساعت به وی می‌گوید خسته نباشید؛ ظاهر امر آن است که دوربین‌ها و تجهیزات دیگر جمع‌آوری می‌شود اما پس از آن خبرنگار سؤالی خصوصی از کارشناس می‌پرسد و او به تصور اینکه مصاحبه تمام شده و صحبت خصوصی است، مطالبی مبنی بر اینکه شرکت سازنده مواد غذایی الف، از ماده ممنوعه‌ای استفاده کرده، بیان می‌کند در همین حال یکی از همراهان خبرنگار، صحبت‌ها را ضبط می‌کند و خبرنگار محتویات نوار را در روزنامه چاپ می‌کند و ضرری چند میلیونی به صاحب شرکت الف وارد می‌کند. در این صورت، خبرنگار و مدیر مسئول روزنامه، از باب سبب اقوی از مباشر مسئول خسارت وارده بر شرکت الف هستند.

مصاحبه با اصرار نیز که بر خلاف میل مصاحبه‌شونده و با سماجت خبرنگار تهیه می‌شود، نوعی محدود کردن حق آزادی مصاحبه به شمار می‌آید. «مصاحبه‌های کمینی» که در آنها خبرنگار بدون اجازه و هماهنگی با شخص مصاحبه‌شونده، وی را به صورت ناگهانی در شرایط مصاحبه قرار می‌دهد، هم نمونه دیگر از مواردی است که حق آزادی در انجام مصاحبه را مخدوش می‌کند. ایراد این گونه مصاحبه‌ها در این است که غافلگیر شدن شخصی که کمین برای او گذاشته شده، اغلب به آشکار شدن تقصیر وی منتهی می‌شود، بویژه در مواردی که مصاحبه‌شونده تجربه‌ای برای برخورد با اصحاب رسانه ندارد و تلاش او برای فرار از مصاحبه و پرسش‌های خبرنگار سمج، می‌تواند تصویری مقصرانه از وی ارائه کند. از همین رو، کسی که موضوع گزارش رسانه‌ای قرار می‌گیرد- حتی افراد مظنون به فعالیت‌های غیر قانونی- حق دارند یا اصلاً مصاحبه نکنند

و یا دست‌کم پاسخ‌های حساب شده‌ای به سؤالات خبرنگاران بدهند (حریم خصوصی؛ تنظیم نظارت و رهگیری ارتباطات^۱)، ۲۰۰۶، ص ۲۴).

مقوله دوربین مخفی نیز از دیگر مواردی است که جلب رضایت افراد در آن اهمیت پیدا می‌کند. ماده ۵۴ طرح حمایت از حریم خصوصی^(۲) در این زمینه مقرر می‌دارد: «به هنگامی که برای تهیه یک برنامه سرگرمی، از دوربین‌های مخفی استفاده می‌شود، پس از ضبط صحنه‌های مورد نظر باید پیش از پخش، رضایت افرادی که موضوع فیلمبرداری قرار گرفته‌اند، جهت پخش اخذ شود. در صورت عدم رضایت، پخش مطالب مذکور ممنوع می‌باشد.»

حق آزادی در انجام مصاحبه نه تنها «حدوثاً» بلکه «بقائاً» نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنا که ممکن است فردی در ابتدا حاضر به انجام مصاحبه باشد اما در اثنای مصاحبه به هر دلیلی از جمله احساساتی شدن، غلبه اضطراب، پی بردن به اینکه مصاحبه دامی برای او بوده است و ... تصمیم بگیرد که از ادامه مصاحبه، انصراف و به آن خاتمه دهد. در چنین حالتی نیز نباید با این توجیه که ابتدا به انجام مصاحبه رضایت داده است، وی را مجبور به ادامه مصاحبه کرد حتی در مورد مدت زمانی که پیش از اعلام نارضایتی وی، مصاحبه انجام گرفته نیز باید حق جلوگیری از پخش آن قسمت به وی داده شود.

از بعد رفتار عملی، در مواردی دیده شده است رسانه‌های عمومی داخلی از افرادی که شاید به نوعی در معرض قضاوت منفی مخاطبان هستند - مانند راننده‌ای که تخلف جاده‌ای مرتکب شده یا صاحب مغازه‌ای که ضوابط بهداشتی را رعایت نکرده و بویژه بعضی از ورزشکاران و مربیان، قبل یا بعد از مسابقه که در حالت عصبانیت تمایلی به انجام مصاحبه ندارند- با اصرار و سماجت خبرنگاران، تصویربرداری می‌کنند یا حتی خبرنگار در گزارش خود، با وجود نشان دادن صدا و تصویر فرد مورد نظر اعلام می‌کند که وی حاضر به انجام مصاحبه نشد! گاهی صحبت فرد مبنی بر اینکه فیلم نگیرید یا این قسمت را قطع کنید هم پخش می‌شود! و خود این مسئله نوعی ذهنیت منفی در مخاطب نسبت به فرد مورد نظر ایجاد می‌کند که در واقع نوعی محکوم کردن بدون محاکمه افرادی است که تمایلی به انجام مصاحبه ندارند.

1. privacy; regulating surveillance and the interception of communications

قیح چنین مصاحبه‌هایی در مواردی بیشتر است که مصاحبه‌شونده حتی امکان مخالفت و اعلام نارضایتی از انجام مصاحبه را نیز ندارد. در این موارد هر چند مصاحبه در قالب گفت و شنود صورت نگیرد یا حتی به صورت گزارشی خبری از حوادث و وقایع ناگوار طبیعی یا انسانی باشد، عملی غیر اخلاقی است. تصویربرداری از حالت مصدومان زلزله، سیل و ... یا صحنه‌های ناله و شیون بستگان متوفی یا مجروح یک حادثه رانندگی که گاهی خبرنگاران او را تا دم در اورژانس نیز تعقیب می‌کنند و از او فیلم و عکس می‌گیرند و ... اغلب بدون رضایت آن اشخاص صورت می‌گیرد. همچنین تصویربرداری و تهیه خبر از شخصی که کمک مالی به وی شده یا تحت تکفل مؤسسات خیریه قرار دارد، یا بیماران خاص که تحت درمان قرار دارند باید با اطمینان از رضایت باطنی صورت گیرد از همین رو، «مرکز ملی بزه‌دیدگان» در امریکا^۱ (۲۰۰۱) مقرر کرده است که آنان در هنگام مواجهه با رسانه‌ها باید از این حقوق بهره‌مند باشند:

۱. اصلاً مصاحبه‌ای انجام ندهند؛
۲. کودکان را از مصاحبه حذف کنند؛
۳. از پاسخگویی به سؤالاتی که موجب ناراحتی آنها می‌شود، یا سؤالاتی که ارتباطی با موضوع ندارد، خودداری کنند؛
۴. اگر اطلاعات نادرستی از آنها گزارش شد، اصلاح آن را درخواست کنند؛
۵. از رسانه بخواهند تصاویر یا فیلم‌های موهن از متن گزارش حذف شوند؛
۶. مصاحبه تلویزیونی آنان بدون پخش تصاویر و مصاحبه روزنامه‌ای آنان نیز بدون عکسبرداری صورت پذیرد.

این مسئله بویژه در مورد اطفال و کسانی که رضایت آنان از نظر حقوقی نامعتبر است، اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین، مصاحبه و تهیه گزارش از کودکان بی سواد، کودکانی که از لحاظ بهداشتی در وضعیت مناسبی قرار ندارند، اطفالی که در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند، معلولان ذهنی یا اطفال بدون سرپرست که در یتیم خانه نگهداری می‌شوند و ... حتماً باید با رضایت اولیا و سرپرستان آنها صورت گیرد. زیرا اغلب این اطفال از آثاری که انجام مصاحبه و پخش صدا و تصویر آنان در رسانه‌های

عمومی به دنبال دارد، آگاهی ندارند و بنابراین، رضایت این افراد از انجام مصاحبه کالعدم تلقی می‌شود. بند ۲۸ «مجموعه قواعد انصاف و حریم خصوصی»^۱ انگلستان به منظور حمایت از افرادی که به دلیل شرایط نامساعد روحی تمایل به مصاحبه ندارند، مقرر کرده است: «نباید آنهایی را که در وضعیت اضطراب و فشار روانی قرار دارند، برای مصاحبه تحت فشار قرار دهند...» در بند ۲۹ این قواعد، ضمن اینکه حق مصاحبه‌شونده به خاتمه مصاحبه در هر زمانی که بخواهد، به رسمیت شناخته شده به نکته جالب و حائز اهمیتی اشاره شده و آن این است که مصاحبه‌شونده باید پیش از شروع مصاحبه از این حق خود آگاه شود. متن این ماده به این شرح است: «قربانی یا مصیبت‌زده حق دارد هر زمانی که بخواهد به مصاحبه یا جلسه عکسبرداری خاتمه دهد و باید پیش از تشکیل جلسه مصاحبه یا تصویربرداری از این حق خود مطلع شود.»

لزوم اعلام داشتن حق انصراف که باید از سوی مصاحبه‌گر به مصاحبه‌شونده یادآوری شود، چیزی متفاوت از اصل حق انصراف و برای تضمین هر چه بیشتر حقوق مصاحبه‌شونده است و درست همانند «اعلام داشتن حق سکوت» علاوه بر اصل «حق سکوت متهم» است که امروزه در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کشورهای جهان، به عنوان تکلیفی نه فقط برای قاضی تحقیق بلکه برای پلیس منظور شده است (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

لزوم اعلام داشتن حق انصراف به مصاحبه‌شونده، بیشتر به این دلیل است که بسیاری از افراد عادی، از اینکه می‌توانند از مصاحبه دادن منصرف شوند، اطلاعی ندارند. از همین رو در بند «اصول و خط‌مشی‌های حرفه‌ای هرالد و وبکلی تایمز»^۲ (۲۰۰۷، ص ۲۱۹) آمده است: «شهروندان معمولی که در حوادث واجد ارزش خبری وارد می‌شوند، از رویه روزنامه‌نگاری آگاه نیستند و این ناآگاهی آنان نباید مورد سوء استفاده قرار گیرد.»

همچنین در مجموعه قوانین کمیسیون شکایت از مطبوعات انگلستان^۳ (پی سی سی، ۲۰۰۷، ص ۲) مقرر شده است که در موضوعاتی که با رفاه و آسایش کودکان سر و کار

1. code of fairness and privacy

2. Professional practice policy of Herald and Weekly Times (PCC)

3. the press complaints code of practice

دارد، خبرنگاران نباید با کودکان زیر ۱۶ سال مصاحبه کنند یا از آنان عکس بگیرند، مگر در حضور یا با اجازه یکی از والدین یا فرد بزرگسالی که مسئول نگهداری کودکان است. ماده ۵۱ طرح حمایت از حریم خصوصی نیز مصاحبه و تهیه فیلم یا عکس از کودکان را مد نظر قرار داده و اعلام کرده است: «فیلمبرداری یا تصویربرداری رسانه‌های همگانی از افراد کمتر از ۱۸ سال و مجانین و انتشار یا پخش آنها بدون اجازه ولی یا قیم آنان ممنوع است».

به این ترتیب، صرف موافقت یا مخالفت نداشتن اشخاص با تهیه گزارش از آنان، حقوق مصاحبه‌شونده را تضمین نمی‌کند، بلکه انجام مصاحبه باید به گونه‌ای باشد که مصاحبه‌شونده با آگاهی کامل و آمادگی به این کار اقدام کند. موضوعی که خبرنگاران حرفه‌ای آن را «موافقت آگاهانه» می‌نامند.

از جنبه حقوقی، حق آزادی مصاحبه با عنوان آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸ مورد حمایت قرار گرفته و در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ آمده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه به صورت شفاهی یا کتبی یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است» (مهرپور، ۱۳۸۳، ص ۴۶۲).

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اعمال هر گونه شکنجه (جسمی یا روحی) برای اقرار یا «کسب اطلاع» را که می‌تواند در قالب مصاحبه صورت گیرد، ممنوع و مستحق کیفر اعلام کرده است. مواد ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی نیز اذیت و آزار بدنی «متهم» را برای اخذ اقرار و سؤالات تلقینی و اغفال متهم ممنوع اعلام کرده‌اند اما این مواد کلی که ناظر به بازجویی از متهم از سوی مقامات قضایی است، نمی‌تواند حق آزادی افراد عادی را در مقابل اصرار یا اغفال خبرنگاران برای انجام مصاحبه تضمین کند.

ماده ۲۱ «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»^(۳) مقرر کرده است: هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیر واقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی جبران

خسارت‌های وارد شده را مطالبه نماید. اما این ماده نیز در برگیرنده حق آزادی در انجام مصاحبه نیست و صرفاً حق تکذیب یا توضیح پس از انتشار اطلاعات غیر واقعی درباره یک شخص را پیش‌بینی کرده است.

۲. مالکیت فکری

از دیگر حقوق مصاحبه‌شونده که با وجود اهمیت روزافزون آن، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، حقوق مادی و معنوی ناشی از مالکیت فکری مصاحبه‌شونده است. هر چند تهیه مصاحبه از سوی خبرنگار یا گزارشگر به طور عمده یک کار هنری و متعلق به مصاحبه‌کننده تلقی می‌شود، این نکته را نباید از یاد برد که گاهی مصاحبه‌شونده برای انجام مصاحبه - بویژه مصاحبه‌های علمی که با اعلام قبلی صورت می‌گیرد - مدت‌ها وقت صرف مطالعه، پژوهش و تهیه مطالب می‌کند که به موجب قاعده فقهی «احترام عمل مؤمن»، کار و فعالیت وی باید محترم شمرده شود و مالکیت او بر مطالبی که در حین مصاحبه بیان می‌کند، مورد حمایت قرار گیرد. قاعده کلی که متخصصان مالکیت فکری بر آن پافشاری می‌کنند این است که: «هر چیزی که ارزش کپی‌برداری داشته باشد، ارزش حمایت نیز دارد» (جاکوب^۱، ترجمه هاشم‌بیگی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴).

از سوی دیگر، ممکن است مصاحبه‌شونده در حین مصاحبه مطالبی را بیان کند که در ادامه یا در پایان، پی به نادرست بودن آن ببرد یا به دلایلی چاپ آن چنین مطالبی در مطبوعات یا پخش آنها از رسانه‌های دیداری و شنیداری را به مصلحت خود نداند. در این گونه موارد باید به وی حق داده شود که خواستار حذف یا سانسور بخش‌هایی از مصاحبه خود شود و آنها را اصلاح کند و یا تغییر دهد. بنابراین نمی‌توان صرفاً به این دلیل که مطالب «مکتوب» نیستند، حقوق صاحبان گفته‌های دارای ارزش را نادیده گرفت.

مالکیت معنوی، دارای دو شاخه اصلی تحت عنوان مالکیت ادبی و مالکیت صنعتی است و به طور کلی، مالکیت فکری، دو گونه حق برای پدیدآورنده نسبت به پدیده فکری ایجاد می‌کند:

- حق مادی که به پدیدآورنده، حق انحصاری استفاده از منافع اقتصادی اثر را در مدت معینی اعطا می‌کند. این حق، همانند سایر حقوق قابل نقل و انتقال است.

- حق معنوی که به دارنده اثر- بویژه اثر ادبی- حق افشای آن اثر، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده، حق تمامیت اثر، حق عدول و حق دسترسی به اثر را اعطا می‌کند (صفایی، ۱۳۵۰، ص ۱۲۴ و حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۶۲) این حق، دائمی و غیر قابل انتقال است در صورتی که مصاحبه‌های علمی یا خبری یک «اثر ادبی، هنری و علمی» به شمار روند یا در قالب برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی تهیه شوند، مالکیت معنوی آنها مورد حمایت قرار می‌گیرد. در بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی آمده است: مالکیت معنوی شامل حقوق مرتبط با موارد زیر خواهد بود:

- آثار ادبی، هنری و علمی

- نمایش‌های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده و برنامه‌های رادیویی (امانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱)

به این ترتیب، حق مادی ناشی از مالکیت فکری نه تنها به مصاحبه‌شونده حق فروش محتوای مصاحبه را می‌دهد، بلکه او می‌تواند از کپی‌برداری مصاحبه که در یک نوار، سی دی، دی وی دی و ... ضبط شده جلوگیری کند. همچنین می‌تواند حق خود را در قالب یک قرارداد یا شرط ضمنی، به دیگری منتقل کند. حق معنوی ناشی از این مالکیت نیز به مصاحبه‌شونده این حق را می‌دهد که مصاحبه با نام او و منتسب به او باشد، بتواند از آنچه در مصاحبه گفته عدول کند یا بخش‌هایی از آن را اصلاح کند یا تغییر دهد. در حقوق انگلستان نیز صحبتی که ضبط شده، به گوینده آن تعلق دارد، حتی اگر مصاحبه پخش شده باشد. البته هنگامی که کسی با مصاحبه موافقت می‌کند، در حقیقت به طور ضمنی، با ضبط و انتشار گفته‌هایش نیز موافقت کرده است اما اگر رضایت خود را اعلام نکرده باشد، ممکن است نقض قانون کپی رایت محسوب شود (آدامز و هیکس، ترجمه فکورپور، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳). در کشورهای غربی، فروش مصاحبه، امری غریب شمرده نمی‌شود، حتی در آفریقای جنوبی نیز زمانی که نلسون ماندلا^۱ به تروریسم محکوم شد، مصاحبه‌اش را فروخت (همان، ص ۲۶۷) حقوقدانان

انگلیسی با استناد به قانون حق نشر (کپی رایت) که افراد را مالک حرف‌های خودشان می‌داند، فروش مصاحبه‌های اختصاصی را در جامعه‌ای که بر محور پول استوار است، امری کاملاً منطقی می‌شمرند (همان، ص ۲۶۴).

از جنبه حقوق داخلی، اینکه آیا مصاحبه‌شونده از حقوق مندرج در قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برخوردار می‌شود یا نه، مورد تردید است. ماده ۲ قانون یاد شده، دوازده مورد از اثرهای مورد حمایت این قانون را احصا کرده است که نمونه‌ای از آن در بند ۳ این ماده آمده است: «اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد». به اعتقاد صاحب‌نظران، خلاقیت و اصالت، شرط اصلی اثبات مؤلف بودن است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۲).

در انجام یک مصاحبه، افراد دیگری از جمله خبرنگار، مصاحبه‌کننده، فیلمبردار، صدابردار و ... نیز دخالت دارند. دو شرط خلاقیت و اصالت، در مورد کسی که سخنانی را در مصاحبه بیان می‌کند مورد تردید نیست، اما در مورد سایر اشخاص و اینکه آیا آنان نیز از حق مؤلف برخوردار هستند و این حق به صورت اشتراکی است یا مستقل، بستگی به قرارداد فی مابین و نیز احراز شرایط مندرج در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ دارد.

بعضی از حقوق‌دانان با این استدلال که واژه «اثر» مندرج در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، جنبه تمثیلی دارد، نه حصری، بر این باورند که اگر اثر ذهنی، از طریق بیان یا لفظ و به طور شفاهی ارائه شده باشد، مانند گفت و شنود در محافل درسی، اپرا، خطبه و سخنرانی در مجالس و امثال آن [مانند مصاحبه با خبرنگار] چنان که توأم با ابتکار و ابداع فکری باشد، جزء آثار قابل حمایت قانون یاد شده است (امامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳).

در حقوق انگلستان، قانون «کپی رایت طراحی و ثبت اختراع»^۱ مصوب ۱۹۸۸، حق انتشار سخنرانی و مصاحبه را به محض ضبط شدن سخنان، به مالک آن که در اغلب موارد، گوینده سخنان است انتقال می‌دهد (کری^۲ و ساندرز^۳، ترجمه ملک‌محمدی،

1. copyright, designs and patents act

2. Kari

3. Sanderz

۱۳۸۶، ص ۱۰۵). در رویه قضایی آن کشور نیز، در مواردی که برای مثال، سیاستمداری در یک مهمانی سخنانی ایراد کرده و این سخنان را روزنامه‌نگاری ضبط و سپس کلمه به کلمه در روزنامه چاپ کرده است، حق مؤلف شناخته شده است (همان، ص ۱۵۴).

۳. حفظ حریم خصوصی

یکی دیگر از موارد مربوط به حقوق مصاحبه‌شوندگان که از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، حریم خصوصی آنان است که خبرنگاران و گزارشگران در زمان تهیه مصاحبه باید مد نظر قرار دهند و از هر گونه نقض حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان پرهیز کنند. به موجب مقررات کلی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اشخاص حق دارند در برابر نقض حریم خصوصی خود مورد حمایت قرار گیرند. اصل ششم از اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در خبرنگاری نیز احترام به اسرار محرمانه و حیثیت انسانی افراد را مورد اهتمام قرار داده است (نورد نسترنگ^۱، ترجمه صفوی، ۱۳۷۴، ص ۷۷).

بند (۱) ماده ۳ مجموعه قوانین «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران^۲ انگلستان (ان. یو. جی) کمیته شکایات مطبوعات، ۲۰۰۷، ص ۲) به صراحت اعلام کرده است: «هر فردی حق دارد شأن زندگی خصوصی و خانوادگی، سلامت و روابط خود با دیگران را که شامل ارتباطات دیجیتالی نیز هست، حفظ کند. هر نشریه‌ای اگر بدون رضایت فردی به حریم خصوصی او تعدی کند باید پاسخگو باشد.»

حمایت از حریم خصوصی از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که حتی در «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» نیز اطلاعات مربوط به حریم خصوصی جزء استثنائات دسترسی به اطلاعات دانسته شده، چنان که در ماده ۱۴ این قانون آمده است: «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.»

آنچه در بحث از حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان در رسانه‌های عمومی اهمیت

1. Nord Nastarang

2. National United Journalists (NUJ)

دارد، این است که در مواردی، مصاحبه‌کننده با وجود اینکه در اصل، از انجام مصاحبه رضایت دارد و مطالبی را برای درج در جراید یا اعلام از رادیو و تلویزیون بیان می‌کند، به دلایل مختلفی - که البته ملزم به اعلام آن دلایل نیست - تمایلی به فاش شدن نام یا هویت خود ندارد و با چنین شرطی، حاضر به انجام مصاحبه با خبرنگار شده است. در این گونه موارد، رسانه‌ای که خبر را اعلام می‌کند، به لحاظ شرعی و اخلاقی موظف است از افشای نام و هویت وی خودداری کند. از بعد شرعی، قاعده «المؤمنون عند شروطهم» (مؤمنان به شرط‌هایی که می‌بندند پایبند هستند) و آیات قرآن کریم مبنی بر وفای به عهد نظیر آیه نخست سوره مائده (به عقدهایی که منعقد می‌کنید، وفا نمایید) چنین تکلیفی را بر عهده تهیه‌کننده گزارش یا خبر اثبات کرده‌اند و از جنبه قانونی نیز افشاکننده نام و هویت منبع خبر، مشمول ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی است که به مناسبت حرفه خود، محرم اسرار مصاحبه‌شونده محسوب می‌شود و اقدام وی به افشای این سر، مستوجب ۹۱ روز تا یک سال حبس یا یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. به طور مشخص‌تر در ماده ۴۶ طرح «حمایت از حریم خصوصی» مقرر شده است: «افشای هویت منابعی که با شرط «عدم افشای نام خود» حاضر شده‌اند اطلاعاتی را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند بدون رضایت صریح آنان ممنوع است. مسئولیت اعلان و انتشار اطلاعات با رسانه مربوط می‌باشد.»

هر چند ماده یاد شده هنوز قالب قانونی به خود نگرفته است، حکم ذیل ماده، مبنی بر مسئولیت شخص حقوقی (رسانه) نباید نافی مسئولیت شخص حقیقی یعنی تهیه‌کننده اطلاعات (خبرنگار) باشد که بر خلاف این شرط، به افشای نام و هویت منبع اطلاعات برای رسانه اقدام کرده است.

در رویه قضایی امریکا، انتشار منبع خبری که خواهان افشا شدن هویت خود است، ممنوع شمرده می‌شود. در دعوی کوهن علیه شرکت کولس مدیا، خواهان، درگیر رقابت‌های انتخاباتی مربوط به فرمانداری مینه سوتا در سال ۱۹۸۲ بود. وی به دو گزارشگر روزنامه اعلام کرد که آماده است اطلاعاتی درباره یکی از نامزدهای انتخاباتی آینده به آنان بدهد به این شرط که هویت وی را به عنوان منبع خبری خویش افشا نکنند. گزارشگران نیز با دادن تعهد، سوابق دادگاه عمومی نامزد یکی از احزاب را از وی گرفتند، اما هنگام انتشار این سوابق، کوهن را نیز به عنوان منبع خبری خود معرفی

کردند. به دنبال این انتشار، کوهن همان روز از کار اخراج شد و علیه گزارشگران اقامه دعوی کرد. (معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵).

از موارد دیگری که در خصوص حمایت از حریم خصوصی مصاحبه‌شونده باید مورد توجه قرار گیرد، انتشار نیافتن جزئیاتی از زندگی و اسرار شخصی مصاحبه‌شونده است که مصاحبه‌گر ممکن است در زمان مصاحبه از آنها اطلاع حاصل کند. فردی که برای مصاحبه با شخصی، به منزل یا محل کار وی مراجعه می‌کند، ممکن است خواسته یا ناخواسته به اطلاعاتی در مورد زندگی شخصی وی از قبیل نوع مسکن، وضعیت زندگی، همسر و فرزندان، عادات نامطلوب و مشکلات جسمی و روانی و ... دست پیدا کند که ارتباطی با موضوع مصاحبه ندارد. گاهی نیز مصاحبه‌کننده با استفاده از وسایل یاترفندهای دیگر، با نقض حریم خصوصی مصاحبه‌شونده اطلاعاتی در مورد زندگی خصوصی وی جمع‌آوری می‌کند که انتشار آن از طریق رسانه‌های عمومی، عملی غیر اخلاقی و غیر شرعی است. حرمت تجسس در امور خصوصی دیگران، هم در قرآن کریم مانند آیه ۱۲ سوره حجرات^(۴) و هم در روایات به صراحت بیان شده است. چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «من مأمور نشده‌ام که به درون دل مردم راه پیدا کنم یا درون آنها را بشکافم» (ری شهری، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱).

و در روایت دیگری از ایشان آمده است که فرمودند: «هر کس به گفتگوی دیگران گوش دهد در حالی که آنها راضی نیستند، روز قیامت در گوش وی سرب گذاخته ریخته می‌شود» (انصاری، ۳۸۶ - الف، ص ۷۴).

در ماده ۳۱ قانون مطبوعات تصریح شده است: «انتشار مطالبی که مشتمل بر ... و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است». البته در این ماده، مسئولیت چنین کاری بر عهده مدیر مسئول نشریه قرار گرفته و اعلام شده است: «مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد». ماده ۱۷ آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۱۳۵۴/۶/۲۲ نیز به وزارت ارشاد اجازه داده است پروانه خبرنگارانی را که اقدام به افشای مسائلی می‌کنند که با حیثیت و عفت خانوادگی اشخاص منافات دارد (بند ب) بار اول، به مدت سه ماه، بار دوم، به مدت شش ماه و در صورت تکرار، برای همیشه لغو نماید (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷).

به موجب ماده ۳۰ «قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲، اصلاحی ۱۳۸۸/۳/۲۳) نیز چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی - تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادر شده از سوی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد و یا به هر نحو، اظهارات اشخاص تحریف شود، مراحل زیر برای احقاق حق طی خواهد شد: ... در ادامه ماده یاد شده، مراحل احقاق حق و اعاده حیثیت از طریق صداوسیما تبیین و در ضمن آن تصریح شده است که این اقدامات مانع پیگیری مستقیم شاکی نسبت به سایر جهات کیفری از طریق دادگاه نخواهد بود.

لزوم رعایت حریم خصوصی در مورد بعضی از مصاحبه‌شوندگان اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. این افراد، مصاحبه‌شوندگانی هستند که به دلایل مختلف شناسایی آنان از سوی مخاطبان رسانه، تبعات اجتماعی منفی برای آنان به دنبال خواهد داشت. برای مثال کسانی که دچار آسیب‌های اجتماعی و قربانی ناهنجاری‌های جامعه شده‌اند، به دام انواع اعتیاد گرفتار آمده یا در دام شبکه‌های فساد جنسی یا مالی و ... افتاده‌اند، در صورتی که حاضر شوند اطلاعاتی در مورد انگیزه‌های ورود به این جریان‌ها، عوامل تحریک‌کننده، آثار و تبعات فرو افتادن در این ورطه برای جوانان، نحوه برون رفت از این وضعیت‌ها و ... در اختیار رسانه‌ها قرار دهند، رسانه‌های جمعی می‌توانند با آگاهی بخشی به مردم از طریق پخش و انتشار این مطالب، نقش مهمی در پیشگیری از این معضلات اجتماعی ایفا کنند.

اما نکته اساسی که برای بیشتر این افراد اهمیت دارد، شناسایی نشدن آنان از سوی مخاطبان است و این انتظاری متعارف و حقی طبیعی برای این گونه افراد است که با فداکاری برای پیشگیری از این مشکلات با رسانه‌های جمعی همکاری می‌کنند.

البته حق رعایت حریم خصوصی و پخش نشدن تصویر، صدا و هویت مصاحبه‌شونده اختصاص به بزه‌دیدگان و قربانیان جرایم و ناهنجاری‌ها ندارد، بلکه در مواردی ممکن است خبرنگاران حرفه‌ای، با دانش و جسارت خود موفق به تهیه گزارش از کسانی شوند که از عوامل ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. برای مثال، خبرنگار می‌تواند از تهیه یا توزیع‌کنندگان آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن،

توزیع‌کنندگان مواد مخدر و الکلی و داروهای روان‌گردان، اداره‌کنندگان مراکز فساد و فحشا و اداره‌کنندگان شرکت‌های هرمی و ... تصویربرداری و گزارش تهیه کند. به طور معمول در این موارد خبرنگار با معرفی خود به عنوان مشتری یا کسی که همراه این افراد است، اعتماد متخلفان را جلب می‌کند. بسیاری با این گونه دام‌گستری به شدت مخالف هستند. روی گرین سیلد^۱، روزنامه‌نگار گاردین^۲ معتقد است، مواد مخدر بد است، توزیع آنها بدتر است اما از همه بدتر، نقش بازی کردن خبرنگار [برای تهیه گزارش از موافروشان] است (آدامز و هیکس، ترجمه فکورپور، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱). بند (۸) پی. سی. سی (۲۰۰۷) به صراحت اعلام کرده است: «خبرنگاران نباید سعی در کسب یا انتشار اطلاعاتی کنند که با استفاده از وسایل شنود مخفی یا از طریق استراق سمع گفتگوهای تلفنی خصوصی به دست آمده است.»

در بند (۳) از ماده (۱۱) سند فوق نیز مقرر شده است: «پنهان‌کاری و حيله تنها زمانی قابل توجیه است که در جهت منافع عمومی انجام گیرد و تنها راه دسترسی به اطلاعات باشد». هر چند دو شرط در جهت منافع عمومی بودن و راه انحصاری دسترسی به اطلاعات، استفاده از ترفندهای غافلگیرانه را برای انجام مصاحبه و تهیه گزارش از عوامل ناهنجاری‌ها توجیه می‌کند، بار اثبات این شرط و در نتیجه، توجیه نقض حریم خصوصی بر عهده خبرنگاران و اشخاصی است که به بهانه منافع عمومی، اقدام به نقض حریم خصوصی می‌کنند.

از جنبه علمی، در بسیاری از مصاحبه‌هایی که بویژه در قالب برنامه‌های مستند پخش می‌شوند، تهیه‌کنندگان سعی می‌کنند با شطرنجی کردن چهره افراد، از شناسایی آنان جلوگیری کنند. در حالی که واقعیت این است که راه شناسایی افراد، منحصر به مشاهده تصویر نیست، بلکه پخش صدای آنان نیز با ضریب خطای بسیار پایینی، به این شناسایی کمک می‌کند و به این ترتیب هدفی که از شطرنجی کردن چهره مد نظر است، حاصل نمی‌شود. از این رو ضروری است تهیه‌کنندگان چنین برنامه‌هایی با در نظر گرفتن سازوکارهای فنی و هنری از پخش صدای اصلی این افراد خودداری کنند.

در یک مورد خاص، ماده ۴۳ طرح حمایت از حریم خصوصی اعلام کرده است: «انتشار

1. Roy Green Sild

2. Gardian

نام، تصویر و سایر جزئیات زندگی (نظیر شغل، سمت، محل سکونت و غیره) اشخاصی که اقدام به خودکشی کرده‌اند در رسانه‌های همگانی ممنوع است مگر با اجازه خود آنان یا نماینده یا قائم مقام آنان و یا به حکم مقام قضایی و یا قوانین خاص دیگر».

نکته قابل توجه آن است که ماده ۴۵ طرح یاد شده، انتشار یا پخش هویت کودکان و زنان قربانی سوءاستفاده‌ها را در رسانه‌های عمومی مطلقاً ممنوع اعلام کرده است: «هویت و تصویر و محل سکونت و محل کار کودکان و زنانی که قربانی سوءاستفاده‌ها یا جرایم جنسی شده‌اند نباید در رسانه‌های همگانی منتشر یا پخش شود».

ظاهر ماده بیانگر آن است که پخش و انتشار این موارد حتی با رضایت بزه‌دیدگان نیز امکان‌پذیر نیست. چنین برداشتی، با توجه به اینکه در سایر مواردی که رضایت فرد موضوع مصاحبه، تأثیرگذار بوده به آن تصریح شده، برداشتی منطقی به نظر می‌رسد اما این اندازه سختگیری، چندان توجیهی ندارد بویژه در مورد زنان بالغ که در صورت رضایت آنان و پوشیده ماندن هویت و تصویر یا تغییر صدایشان، انتشار مطالب مربوط ممکن است در پیشگیری از بعضی معضلات مؤثر باشد.

در بعضی کشورها نظیر انگلستان نیز انتشار یا پخش نام، نشانی، چهره یا تصاویر ثابت و متحرک زنی که آزار جنسی را علیه خود یا فرد دیگری اظهار نموده، جرم تلقی می‌شود (کری^۱، ۱۹۹۶، ص ۹۶). اما در صورتی که زنی، طبق اظهارات خودش، آسیب‌دیده جرم تجاوز باشد و رضایت خود را مبنی بر انتشار موضوعی که ممکن است به شناسایی او منتهی شود، را به صورت مکتوب اعلام کند، اثبات این گونه رضایت می‌تواند به عنوان دفاع، در تعقیب کیفری علیه یک روزنامه، رادیو یا تلویزیون مورد قبول واقع شود (همان). در ایتالیا نیز انتشار هویت قربانیان جرایم جنسی از سوی مطبوعات به نحوی که منتهی به شناسایی این اشخاص شود ممنوع است، مگر اینکه خود قربانیان به دلیل نفع عمومی چنین بخواهند (انصاری، ۱۳۸۶- الف، ص ۲۵۷).

همچنین اخذ رضایت از قربانیان حوادث طبیعی و غیر طبیعی از اهمیت بالایی برخوردار است. برای مثال، اگر قربانیان یک آتش‌سوزی نخواهند با گزارشگر یک رسانه خبری مصاحبه کنند و خبرنگار بر این امر اصرار کند، مصیبت قربانیان آتش‌سوزی دو چندان می‌شود و اگر بر خلاف میل آنان فیلمبرداری انجام گیرد، با

صدمه‌ای مواجه می‌شوند که در مقایسه با آسیب‌های ناشی از آتش‌سوزی چشمگیر است. ضمن اینکه اصرار رسانه‌ها بر مصاحبه و فیلمبرداری از قربانیان سبب می‌شود احساسات یا تعادل روانی و کنترل آنان از دستشان خارج شود و در نتیجه، به تنهایی یا با سایر بازماندگان حادثه، مرتکب جرایم بعدی شوند (لیسارد^۱، ۲۰۰۳).

از همین رو، در اصول و خط‌مشی‌های حرفه‌ای هرالد و ویکلی تایمز^۲ (۲۰۰۷) توصیه شده است که هنگام کسب اجازه برای مصاحبه یا تصویربرداری از یک قربانی یا شخص مصیبت‌زده، [مصاحبه‌کنندگان] تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن به این اشخاص از طریق یک واسطه مانند اعضای خانواده، دوست، مشاور و ... به کار گیرند. در مقررات داخلی، ماده قانونی خاصی که خبرنگاران را ملزم به اخذ رضایت از قربانیان حوادث طبیعی یا غیر طبیعی کند و یا محدودیت‌هایی در این زمینه قائل شود، به چشم نمی‌خورد؛ تنها در طرح حمایت از حریم خصوصی، انتشار جزئیات زندگی و هویت مصیبت‌زدگان بلائای طبیعی و غیر طبیعی، منوط به اجازه خود آنان یا نماینده قانونی آنها شده است. متن ماده ۴۴ به این شرح است: «انتشار نام، تصویر و سایر جزئیات زندگی (نظیر شغل، سمت، محل سکونت و غیره) اشخاصی که در نتیجه وقوع حوادث یا بلائای طبیعی یا مصنوعی دچار آسیب‌های ناخوشایند جسمی یا روانی شده‌اند، در رسانه‌های همگانی در صورتی که انتظار متعارف نسبت به عدم انتشار آنها وجود داشته باشد ممنوع است مگر با اجازه خود آنان، نماینده یا قائم مقام آنان».

۴. حمایت در برابر استناد قضایی به محتوای مصاحبه

از موضوعات چالش‌برانگیزی که در بحث حقوق مصاحبه‌شونده مطرح می‌شود، اعتبار قضایی مطالبی است که فرد مصاحبه‌شونده در حین گفتگو با خبرنگار بیان می‌کند. این مطالب گاه متضمن جرمی نظیر نشر اکاذیب، توهین، افتراء و امثال آن هستند. گاه نیز مصاحبه‌شونده مطالبی را بیان می‌کند که ممکن است نوعی اقرار علیه خود یا ادعاهایی علیه اشخاص ثالث به شمار آید و یا تکلیفی بر جبران خسارت علیه خود او یا دیگری مطرح کند.

1. Lessard

2. Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times

نوع این گونه مصاحبه‌ها نیز متفاوت است. ممکن است مصاحبه‌ای در کمال آزادی مصاحبه‌شونده و با آمادگی قبلی وی صورت گیرد و فرد به عمد چنین مطالبی را بیان کند و ممکن است شخصی بدون آگاهی قبلی و به صورت کاملاً تصادفی مورد مصاحبه قرار گیرد و یا با سؤالات تلقینی و اغفال‌کننده مصاحبه‌گر حرفه‌ای، چنین سخنانی را بر زبان آورد یا حتی به اجبار و با اکراه، ناچار به انجام مصاحبه یا بیان سخنان مورد نظر شده باشد، یا اینکه در یک مناظره تلویزیونی و در گرماگرم مناظره، مطالبی ایراد کرده باشد.

مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو-تلویزیونی با اشخاصی که در مظان اتهام هستند و سپس استناد به اظهارات آنان، بویژه در جریان دادرسی می‌تواند ایرادها و اعتراض‌های فراوانی را برانگیزد. از این اقدامات رسانه‌ها با عنوان «محاکمه مطبوعاتی» یاد شده است، زیرا اشخاص پیش از رسیدگی عادلانه در دادگاه نیز از نظر افکار عمومی محکوم و از رسیدگی بی‌طرفانه قضایی محروم می‌شوند (بوشهری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

سؤال اصلی این است که آیا محتوای این گونه مصاحبه‌ها که خارج از مقوله اعتراف متهم در جلسه دادگاه است، می‌تواند علیه مصاحبه‌شونده یا اشخاص ثالث مورد استناد قضایی قرار گیرد؟ از بعد فقهی، بعضی فقها بین آثار ضبط شده و سخنانی که به طور زنده پنخس می‌شود، تفکیک قائل شده‌اند. حضرت امام خمینی (ره) معتقد است: «در وجوب ترتیب اثر بر اقرار به واسطه تلفن، بلندگو، رادیو و امثال آن [تلویزیون-اینترنت و ...] هیچ اختلاف نظری وجود ندارد، در صورتی که علم حاصل شود که صدا از آن خود مقرر و به صورت مستقیم است، نه از روی نوار، خواه اقرار به حقی برای ثالث باشد ولو اقرار موجب قصاص و خواه اینکه اقرار موجب اثبات حدی از حدود الهی باشد ... و ظاهر، جریان این حکم در سایر مواردی است که حکم بر انشاء یا اخبار مترتب می‌گردد نظیر قذف، لعان، غیبت، تهمت، فحش و سایر اموری که موضوع حکم قرار می‌گیرند، البته مشروط بر اینکه علم حاصل شده و یا بینه اقامه شود مبنی بر اینکه متکلم، فلان شخص معین است» (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۲، صص ۵۶۷ - ۵۶۶).

ایشان در مسئله ۱۱ بحث از «الرادیو و التلویزیون و نحوهما» در قسمت «البحث حول المسائل المستحدثه» این سؤال را مطرح کرده‌اند که آیا احکام و آثار بر اقرار و سخنانی که در نوار ضبط شده باشد، مترتب می‌شود یا خیر؟ و در پاسخ آورده‌اند:

تردیدی نیست که بر محتوای نوارها اثری مترتب نمی‌شود. بنابراین انتشار آنچه در نوار ضبط شده اقرار، شهادت، قذف، صدور حکم و امثال آن نخواهد بود. اما اگر معلوم گردد آنچه در نوار هست، اقرار ثبت شده از فلان شخص است، آن شخص ملزم به اقرار خود می‌شود. به بیان دیگر، ترتب اثر از باب حکایت از اقرار و کشف از شهادت شهود و حکم حاکم و قذف قاذف است و نه از باب اینکه این سخنان فی نفسه اقرار باشند. البته ترتب اثر در صورتی است که علم حاصل شود که آنچه ضبط شده از عالم واقع خارجی است. اما در صورت احتمال اینکه صدا مشابه صدای کسی است که به وی نسبت داده می‌شود، هیچ اثری بر آن مترتب نخواهد شد، نه بر آنچه از نوار پخش شده و نه بر آنچه مستقیماً و بلاواسطه پخش می‌گردد (همان، ص ۵۶۷).

تفکیک بین پخش مستقیم سخنان با پخش از روی نوار [حامل‌های داده] در کلام این فقیه عالی مقام به ظاهر، به دلیل امکان دستکاری در مطالب ضبط شده و نبود امکان دستکاری در غیر آن است. بنابراین، آنچه به صورت زنده منتشر می‌شود، در حکم بیان حضوری گفتار است و تمام آثار و احکام بر آن مترتب می‌شود ولی آنچه از روی نوار شنیده یا دیده می‌شود، صرفاً نوعی خبر دادن از یک واقعه دیگر است که به خودی خود نمی‌تواند به عنوان اقرار، مستند حکم قرار گیرد، اما اگر با دلایل و قراین دیگر اثبات شد محتوای نوار مطابق با واقع است و مورد تحریف قرار نگرفته، متناسب‌الیه ملزم به اقرار خود می‌شود و احکام و آثار قضایی نیز بر آن مترتب خواهد شد.

البته این مطلب در صورتی قابل پذیرش است که نحوه و روش تهیه نوار یا فیلم عادی باشد و خلاف قانون شمرده نشود مانند اینکه شخصی در زمان مصاحبه با خبرنگار اعتراف به جرمی کند و یا برای مثال، به شخصی اهانت کند. اما در صورتی که تهیه نوار یا فیلم و یا حتی استماع مستقیم سخنان کسی به روش‌های غیر قانونی و غیر اخلاقی و برای مثال، با نقض حریم خصوصی او از طریق کارگزاران دوربین مخفی و امثال آن صورت گیرد، محتوای نوار یا استماع سخنان فرد نمی‌تواند مستند حکم دادگاه قرار گیرد.

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

در همین زمینه ماده ۷۸ طرح حمایت از حریم خصوصی مقرر داشته است: «هر گاه در نتیجه نقض حریم خصوصی، اطلاعاتی در باره یک شخص جمع‌آوری شده باشد، اطلاعات مزبور در مراحل رسیدگی قضایی (اعم از مدنی و کیفری) و نزد مقامات اداری، اجرایی و مؤسسات عمومی و خصوصی از عداد دلایل خارج است.»

بحث دیگر وجود یا نبود امکان انتشار سخنان و مطالبی است که افراد در مقام متهم و در حین جلسات دادگاه بیان کرده‌اند. توضیح آنکه در نظام قضایی ایران، همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، فرایند دادرسی کیفری در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی قضایی صورت می‌گیرد که مرحله نخست به طور عمده در دادسرا و به صورت غیر علنی و مرحله دوم در دادگاه و علی‌القاعده به صورت علنی انجام می‌گیرد.

به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی، «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی باشد یا در دعای خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» همچنین به موجب ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، «محاکمات دادگاه علنی است، به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:

۱. اعمال منافی عفت و جرایمی که بر خلاف اخلاق حسنه است.

۲. امور خانوادگی یا دعای خصوصی به درخواست طرفین

۳. علنی بودن محاکمه محل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.^(۵)

انتشار مذاکرات غیر علنی محاکم مطلقاً ممنوع است. به موجب ماده ۲۹ قانون مطبوعات: «انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشای آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف، طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

با وجود این، تبصره (۱) ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۸۵/۳/۲۴) اعلام کرده است: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی، گزارش مکتوب تهیه کرده و آن را بدون ذکر نام یا

مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.» این تبصره، همچنان که اشاره شد، در سال ۱۳۸۵ مورد اصلاح قرار گرفت. متن تبصره پیش از اصلاح به این صورت بوده است: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه می‌باشد، لکن انتشار آن در رسانه‌های همگانی قبل از قطعی شدن حکم مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتری محکوم می‌شود.» تغییر و اصلاح تبصره در مورد اختیار رسانه‌های گروهی در اصلاحیه ۱۳۸۵ بیانگر نرزش و انعطاف مقنن در مورد گزارش جریان رسیدگی از رسانه‌های عمومی است که قانونگذار توجه بیشتری به مقوله آزادی اطلاعات و حق مردم مبنی بر دسترسی به اطلاعات نشان داده است.

نتیجه‌گیری

در خصوص حقوق مصاحبه‌شونده، با وجود مبانی مستحکم فقهی و آموزه‌های دینی و نیز اصول کلی قانون اساسی، چه از جنبه تقنینی و چه از بعد رویه عملی رسانه‌های همگانی، نواقص و ایرادهایی وجود دارد.

در مورد حق مالکیت فکری نیز هر چند مقررات پراکنده‌ای در خصوص حمایت از صاحبان آثار ادبی و هنری وجود دارد، تردیدهای جدی در این مورد که آیا سخنان یک فرد نیز - که هنوز در قالب یک اثر مکتوب درنیامده - مشمول قوانین حمایت از مالکیت فکری هست یا خیر، همچنان مطرح است و رابطه حقوقی مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده و نحوه مالکیت هر کدام بر محتوای مصاحبه به صراحت مشخص نشده است. همچنین از جنبه عملی با وجود انجام و پخش مصاحبه‌های متعدد علمی، ادبی، هنری و مصاحبه‌شوندگان کمتر به چنین حقی توجه دارند و آن را مطالبه می‌کنند. وضع مقررات قانونی و به رسمیت شناختن چنین حقی است که می‌تواند انتظار مطالبه آن را ایجاد کند.

در بین حقوق مصاحبه‌شونده، حق حریم خصوصی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این زمینه، مقررات پراکنده‌ای در قوانین جزایی و مطبوعاتی، مبنی بر منع افشای اسرار وجود دارد، اما متون قانونی خاصی که بتواند به طور کامل از حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان در عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای حمایت کند هنوز تهیه نشده است و

تنها با تصویب طرح حمایت از حریم خصوصی است که می‌توان امیدوار بود اشکالات عملی موجود در رفتار رسانه‌های همگانی در مورد حریم خصوصی مرتفع شود. در نهایت، در مورد اعتبار قضایی سخنانی که در هنگام مصاحبه ایراد شده، چه در قالب اعتراف و اقرار به جرایم و چه در قالب ارتکاب جرم، هر چند از حیث فقهی در صورتی که علم به اصالت و تحریف نشدن محتوای مصاحبه حاصل شود، منعی برای استناد به آن وجود ندارد، به لحاظ قانونی باید در مورد محتوای مصاحبه‌هایی که از طریق وسایل ضبط صدا و تصویر همچون نوار، سی دی و ... به دست آمده است، به منتسب‌الیه حق انکار و تردید در آن و مستند نبودن به لحاظ قضایی را داد. بویژه در مواردی که خبرنگار هنگام تهیه گزارش، برای جلب همکاری فرد و دریافت اطلاعات، به وی اطمینان داده است که هویت او فاش نخواهد شد و اظهاراتش مستند حکم قضایی قرار نخواهد گرفت. البته در طرح حمایت از حریم خصوصی تصریح شده است چنانچه اطلاعات با نقض حریم خصوصی افراد کسب شده باشد فاقد اعتبار قضایی است؛ تصویب نهایی طرح یاد شده و همچنین وضع مقرراتی در جهت جلب اعتماد افراد و سوژه‌های مورد نظر برای تن دادن به مصاحبه و همکاری با خبرنگاران، می‌تواند رویه عملی رسانه‌ها و محاکم قضایی را در چارچوب‌های دقیق قانونی هر چه بیشتر سامان دهد.

پی‌نوشت

۱. قاعده الزام به معنای ملزم نمودن هر کس به عقاید و اظهارات خودش است. علی بن ابی حمزه بطائنی از امام کاظم (ع) نقل کرده که فرمود: «الزموهم بما ألزموا أنفسهم» یعنی «آنها را ملزم کنید به آنچه که خودشان را بر آن ملزم می‌کنند» (مصطفوی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۶).
۲. طرح حمایت از حریم خصوصی، ابتدا به صورت لایحه در ۴ خرداد ۱۳۸۴ به تصویب هیئت وزیران رسید و دولت در ۱۰ مرداد ۱۳۸۴ این لایحه را تقدیم مجلس کرد. از آنجا که بررسی لایحه حریم خصوصی، در مجلس هم‌زمان با اتمام دوره تصدی دولت سابق و مقارن با روی کار آمدن دولت جدید بود، لایحه حریم خصوصی در ۱۶ فروردین ۱۳۸۵ از سوی دولت نهم پس گرفته شد. این امر موجب شد تا نظر به اهمیت موضوع حمایت از حریم خصوصی، عده‌ای از نمایندگان مجلس، لایحه حمایت از حریم خصوصی را عیناً در قالب طرح ارائه کنند. طرح حریم خصوصی در ۷ تیر ۱۳۸۵ اعلام وصول شد و دو شوری بودن آن در مجلس به تصویب رسید اما تا این تاریخ، هنوز طرح یاد شده به تصویب نهایی مجلس نرسیده است.

۳. این قانون مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی است که به دلیل تأیید نشدن از سوی شورای نگهبان، در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ با الحاق یک تبصره ذیل ماده ۱۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأیید قرار گرفت.

۴. ای اهل ایمان! از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است، و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق برمگمارید)، و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را خورید؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا بترسید (و توبه کنید) که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

۵. ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، «رسیدگی به جرایم اطفال» را نیز غیر علنی اعلام کرده است. این ماده همچنین تصریح کرده است: «انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.» حکم این ماده موافق بند هفت ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است که اعلام کرده است: «دادرسی اطفال بزهکار در تمام مراحل دادرسی باید کاملاً محرمانه باشد.»

منابع

- آدامز، سالی و هیکس، وینفورد. (۱۳۸۵). آداب مصاحبه مطبوعاتی (ترجمه سید محمد فکورپور). چاپ اول، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، چاپ هشتم، جلد ۲. تهران: سمت.
- اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۵). قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران. چاپ ششم، تهران: سروش.
- الموسوی الخمینی (ره)، سید روح‌الله. (۱۳۸۲). تحریر الوسیله. جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، تاریخ انتشار اثر ۱۴۱۶ هـ. ق.
- امامی، اسدالله. (۱۳۸۶). حقوق مالکیت معنوی. تهران: چاپ اول، میزان.
- امانی، تقی. (۱۳۸۳). مالکیت معنوی. تهران: بهنامی، جلد ۲.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۶- الف). حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۶- ب). حقوق ارتباط جمعی. تهران: سمت.
- بوشهری، جعفر. (۱۳۷۶). مسائل حقوق اساسی. تهران: دادگستر.
- جاکوب، سررابین و دیگران. (۱۳۸۶). مالکیت فکری (ترجمه حمید هاشم‌بیگی). چاپ اول، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ری شهری، محمد. (۱۳۷۵). میزان الحکمه. جلد ۱، قم: دارالحدیث.

صفایی، سید حسین. (۱۳۵۰). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی. شماره ۶، تابستان.

علی‌آبادی، گیتا. (۱۳۸۷). مصاحبه با قربانیان و خانواده‌هایشان. فصلنامه رسانه، ۱۹ (۲).

کری، پیتر و ساندرز، جو. (۱۳۸۶). حقوق رسانه (ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی). چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

محمدی، پژمان. (۱۳۸۶). قراردادهای حقوق مؤلف. چاپ اول، تهران: دادگستر.

مصطفوی، محمدکاظم. (۱۴۲۱ ق). القواعد. چاپ چهارم، قم: جامعه مدرسین.

معاونت پژوهش؛ تدوین و تنقیح قوانین و مقررات. (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی (هیئت مؤلفان). چاپ اول، تهران: مؤلف.

مهرپور، حسین. (۱۳۸۳). نظام بین‌المللی حقوق بشر. چاپ دوم، تهران: اطلاعات.

نورد نسترنگ، کارل. (۱۳۷۴). اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری (ترجمه مجتبی صفوی). فصلنامه رسانه، ۶ (۳)، پاییز.

Privacy; Regulating Surveillance and the Interception of Communication.

(2006). Retrieved from: <http://www.hkllii.org/hk/other/report/2006>

National Victims Center. Retrieved from: www.hkllii.org/hkother/hkIrc/

Victim Center, Crime Victim,s **Privacy Rights in the Media,**

http://www.nvs.org/ddir/in_ions/fo35.htm

Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times Limited in

Australia. (2006). Retrieved from:

<http://www.ijnet.org/FEArticle/Codeethics.asp>.

Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times Limited in

Australia. (2007). Retrieved from:

<http://www.ijnet.org/FEArticle/Codeethics.asp>

Lessard, J. (2003). **Journalism Codes of ethics from around the World.**

Retrieved from: <http://www.ijnet.org/5129.html>

The Press Complaints Commission Code of Practice. (2007). **National**

United Journalism Act. Retrieved from: <http://www.Pcc.org.uk>

